



University of Tabriz

Iranian Islamic Period History

Online ISSN: 2717-2902

Volum: 15 Issue: 39
Summer 2024

Pages: 107-130

Article Type: Research Article

DOI: 10.22034/JIIPH.2024.59416.2483

Received: 2023/12/02 Received in revised form: 2024/02/09 Accepted: 2023/11/20 Published: 2024/06/30

The Causes and Contexts of the Emergence of Religious Claimants in Medieval Iranian History (with an Emphasis on the 5th to 9th Centuries AH)

Zeinab Abbasi Rami¹| Emamali Shabani²

Abstract

Throughout the history of Iran and Islam, there has consistently been a presence of deceitful claimants and innovative religious thoughts. A significant number of false claimants, including those associated with prophethood, Imamate, and Mahdism, emerged during medieval Iranian history, particularly from the 5th to 9th centuries AH, necessitating careful examination by specialists. In this context, the research seeks to answer the fundamental question regarding the causes and contexts for the emergence of religious claimants in medieval Iranian history from the 5th to 9th centuries AH. Utilizing a descriptive-analytical approach, the study indicates that various factors played a role in the formation, reinforcement, and continuity of such occurrences. The historical background, contemporary political-religious insights, religious beliefs, the influence of various sects' ideologies, public discontent arising from the gap between the government and the people, and the implementation of oppressive policies towards the majority of society by the governments during this period of Iran's history-all contributed to the emergence of false religious claimants. Additionally, the lack or weakening of legitimacy of these unaccepted governments and the pursuit of material and spiritual interests by individuals or supporting entities played a significant role in this phenomenon. The research argues that the emergence of deceitful religious claimants served to secure material and spiritual interests for individuals or supporting factions. The study presents a comprehensive approach, model, and framework for understanding such transformations in the history of Iran and Islam.

Keywords: Religious claimants, causes and contexts, history of Iran,

¹ Master's degree in Post-Islamic Iranian History, University of Mazandaran, Iran

abasizeineb296@gmail.com

² Associate Professor, University of Mazandaran-Babolsar, Iran (Corresponding Author)

shabani@umz.ac.ir

Medieval Islamic centuries, 12th to 16th centuries.

شاپا الکترونیکی: ۲۹۰۲-۲۷۱۷
دوره: ۱۵، شماره: ۳۹
تابستان ۱۴۰۳
صفحات: ۱۰۷-۱۳۰

تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام

دانشگاه آیت‌الله
امین

DOI: 10.22034/JIIPH.2024.59416.2483 نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

دلایل و زمینه‌های ظهور مدعیان مذهبی در سده‌های میانه تاریخ ایران (با تأکید بر سده‌های ۵ تا ۹ ق)

زینب عباسی رمی | امامعلی شعبانی^۲

چکیده

تاریخ ایران و اسلام همواره با مدعیان دروغین و تفکرات بدعت‌آمیز دینی مذهبی روبه‌رو بوده‌است. بخش قابل توجهی از مدعیان دروغین نبوت (متنبیان)، امامت و مهدویت (متمهدیان) در سده‌های میانه تاریخ ایران به‌ویژه سده‌های پنجم تا نهم هجری ظاهر شدند که خود رمزگشایی از آن را برای متخصصان امری ضروری می‌سازد. در همین راستا این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش بنیادین که دلایل و زمینه‌های ظهور مدعیان مذهبی در سده‌های پنجم تا نهم هجری تاریخ ایران کدام است؟ به روش توصیفی تحلیلی دریافته‌است که عوامل متعدد و متنوعی در شکل‌گیری، تقویت و تداوم این گونه رخدادها نقش داشته‌است. پیشینه تاریخی و بینش سیاسی مذهبی روز، اعتقادات و باورهای مذهبی، تأثیر تفکرات ملل و نحل مختلف، نارضایتی‌های عمومی منتج از شکاف بین دولت و ملت و نیز اعمال سیاست ظلم و ستم نسبت به قاطبه جامعه از سوی حکومت‌های این دوره از تاریخ ایران، فقدان و یا تضعیف مشروعیت حکومت‌های ذاتاً بیگانه این مقطع و درنهایت تأمین منافع مادی و معنوی اشخاص و یا جریان‌های حامی و مبلغ آنان در ظهور مدعیان دروغین مذهبی نقش داشته‌است. پژوهش در یک رویکرد کلان، الگو و رهیافتی جهت فهم این‌گونه تحولات در تاریخ ایران و اسلام ارائه داده‌است.

کلیدواژه‌ها: مدعیان مذهبی، دلایل و زمینه‌ها، تاریخ ایران، سده‌های میانه اسلامی، سده‌های ۹-۵ ق.

abasizeineb296@gmail.com
shabani@umz.ac.ir

۱. کارشناسی ارشد تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه مازندران، ایران
۲. دانشیار دانشگاه مازندران - بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

تاریخ ایران همواره با مسئله‌ای به نام اندیشه‌های بدعت‌آمیز دینی - مذهبی و به تبع آن ظهور مدعیان دروغین نبوت، امامت و مهدویت روبه‌رو بوده که تا به امروز نیز ادامه یافته‌است. در این میان سده‌های میانه اسلامی و به‌ویژه قرون پنجم تا نهم هجری سهم قابل‌توجهی در این امر دارد. رخدادی که تحت تأثیر عوامل سیاسی، مذهبی و اقتصادی شکل گرفته و البته تاروپود جامعه ایران این عصر را به شدت تحت‌الشعاع خود قرار داده‌است.

تأثیر مذهب و پدیده‌های مذهبی بر تحولات سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی ایران در طول تاریخ به‌ویژه سده‌های میانه اسلامی غیرقابل‌انکار است. در همین راستا بایستی معترف بود ظهور مدعیان دروغین مذهبی، خود از اهمیت و جایگاه آن گواهی دارد. ضمن آنکه قابلیت استفاده ابزاری از دین و مذهب را در عرصه سیاسی به نمایش می‌گذارد.

شواهد تاریخی بیانگر این واقعیت است که تعدد، تنوع، شدت، گستردگی و... بروز و ظهور مدعیان دروغین، این مقطع از تاریخ ایران را در قیاس با دیگر دوره‌ها متمایز و درعین‌حال قابل‌تأمل و درخور بررسی علمی می‌سازد. لذا پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش اساسی بوده‌است که دلایل و زمینه‌های ظهور مدعیان مذهبی در سده‌های میانه تاریخ ایران به‌ویژه در سده‌های پنجم تا نهم هجری کدام است؟

هدف بنیادین پژوهش دست‌یابی به یک نظریه در تاریخ ایران است. با توجه به اینکه تاریخ ایران در همه ادوار و حتی تا به امروز با چنین حوادث و رخدادهایی روبه‌رو بوده و است، بی‌تردید تحلیل و رمزگشایی از این پدیده در تجربه سده‌های میانه تاریخ ایران، به‌عنوان یک دوره ممتاز و منحصربه‌فرد، در اصل‌شناسی، تم‌شناسی و ریشه‌شناسی آن در دوره‌های بعدی مفید خواهد بود.

درخصوص ادبیات یا پیشینه پژوهش بایستی معترف بود علی‌رغم اهمیت بحث دلایل و زمینه‌های ظهور مدعیان دروغین، متأسفانه فاقد پژوهش علمی به‌ویژه در مقطع مورد اشاره هستیم. محدود پژوهش‌های موجود از جمله کتاب «مهدیان دروغین» (جعفریان، ۱۳۹۱)، مقاله «منجی‌گرایی در عصر حاکمیت مغولها در ایران» (ایزدی، ۱۳۹۲)، مقاله «گونه‌شناسی

مدعیان دروغین مهدویت» (صفری فروشانی و عرفان، ۱۳۹۳)، مقاله «واکاوی ادعای مهدویت از سوی فرقه حروفیه در دوره تیموریان» (علیزاده دیل و کریمی، ۱۳۹۸)، صرفاً به معرفی برخی از مدعیان و عموماً مدعیان دروغین مهدویت، آن هم معمولاً در گستره تاریخ اسلام، پرداخته‌اند. مقاله «مدعیان دروغین و شگردهای تبلیغی آنان در سده‌های میانه تاریخ ایران» (شعبانی و عباسی رمی، ۱۴۰۱) چنانچه از عنوان آن هویداست، صرفاً به شگردهای تبلیغی مدعیان از جمله سحر و جادو، ادعای ارتباط با جهان ماوراء و نیز پیشوایان دینی، برخورداری از کرامات معنوی و تبارسازی دروغین و آن هم در گستره وسیع سده‌های میانه اسلامی پرداخته‌است. پژوهش «معرفة ماهیة المدعیین الزائفین فی القرون الوسطی من تاریخ ایران» (القرنان ۴-۹ق) (شعبانی و عباسی رمی، ۱۴۴۴) این مقوله را مورد پژوهش قرار داده‌است که عمده‌خاستگاه اجتماعی مدعیان مذهبی در قرون چهارم تا نهم هجری شهری، روستایی و یا عشایری است. لذا رویکرد تحلیلی به‌ویژه در خصوص دلایل و زمینه‌های ظهور مدعیان مذهبی و ارائه یک نظریه کلان اساساً در منظومه فکری این پژوهشگران جایگاهی نداشته‌است که خود بر جنبه ابتکاری و نوآورانه پژوهش پیش رو دلالت دارد. پژوهش پیش رو مستخرج از پایان‌نامه‌ای است با عنوان «اندیشه‌های بدعت‌آمیز دینی و واکنش‌ها به آن در سده‌های میانه تاریخ ایران» که پیرامون مدعیان دروغین مذهبی در سده‌های میانه اسلامی انجام و بخشی از آن به دلایل و زمینه‌های ظهور مدعیان در سده‌های پنجم تا نهم هجری اختصاص یافته‌است که خود می‌تواند بر جنبه ابتکاری نوشتار پیش‌رو دلالت داشته باشد.

الف) مدخل

تاریخ تحولات ایران سده‌های میانه و به‌ویژه سده‌های پنجم تا نهم هجری به‌سان تمام ادوار آن شاهد مدعیانی است که ادعای نبوت، امامت و ادعای مهدویت کردند. گرچه برخی از این انتسابات در حد اتهام بوده و به دلایل سیاسی مذهبی، برای تضعیف جریان رقیب و ملوک کردن حرکات اعتراضی و تخریب چهره حق‌خواهانه و ظلم‌ستیزانه اشخاص از سوی جریان حاکمیت روز و یا جریان‌های رقیب صورت پذیرفته‌است، لیکن جای انکار و تردید نیست که توسل و تشبیه به چنین عناوینی و با توجه به دلائلی که در پیش رو خواهد آمد،

خود از صحت تعداد قابل‌اعتنایی از این انتساب‌ها حکایت دارد. ضمن آنکه گزارش منابع تاریخی نسبتاً مستقل و با رویکرد منصفانه و به دور از ایدئولوژی تحمیلی حاکمیت نیز بر این امر صحنه می‌گذارد.

تاریخ ایران سده‌های مذکور نمونه‌های بسیاری از ادعای بدعت‌آمیز نبوت را شاهد بوده‌است.^۱ به‌طور مثال در محرم سال ۴۸۹ق شخصی در نواحی نهاوند مدعی نبوت شد^۲ (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۴۲۸). حدود ده سال بعد یعنی ۴۹۹ق و در همان شهر، یعنی نهاوند مردی، به‌مانند مدعی قبلی فاقد نام، دعوی نبوت کرد (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۳۷۲). قاشانی به فردی شاعر با خطی زیبا در سال ۷۱۵ق اشاره دارد که مدعی بود همانند حضرت عیسی و حضرت خضر نبی(ع) نامیراست (قاشانی، ۱۳۸۴: ۱۶۶). در سال ۸۰۵ق شخصی مصطفی نام که نوکر شیخ بدرالدین موسی قاضی سماونه بود، ادعای نبوت کرد (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۸۲). ضمناً گفته شده‌است در همان سال ملاعرشی قاشانی در اصفهان ابتدا ادعای مهدویت و سپس نبوت کرد (مرعشی، ۱۴۳۲: ۳۵۶).

تاریخ ایران سده‌های مذکور تعدادی از مدعیان دروغین امامت را ثبت کرده‌است. مولی علی فرزند سید محمد فلاح، بنیان‌گذار فرقه مشعشیه، ادعای امامت کرد (۸۶۱ق). حتی برخی منابع نوشته‌اند که وی ادعای خدایی هم کرد (شوشتری، ۱۳۷۷: ۳۹۵-۴۰۰: امورتی، ۱۳۷۹: ۳۱۴). بدعت دیگری که می‌توان بدان اشاره کرد بدعت محمود تارابی و به ادعای امامت در سال ۶۳۶ هجری است. بدعتی که خود منشأ تحولات مهمی در عصر ایلخانی و

۱. ادعای پیامبری و در راستای اهداف و انگیزه‌های مختلف حتی به دوران حیات پیامبر(ص) و نیز بلافاصله پس از وفاتشان بازمی‌گردد. در راس آن می‌توان به اصحاب رده و در عصر خلفای راشدین اشاره کرد. در دوره‌های بعدی تاریخ ایران و اسلام نیز نمونه‌های بسیاری از ادعای بدعت‌آمیز نبوت را به علل و انگیزه‌های مختلف و البته با واکنش‌ها و متعاقباً تأثیرات بسیار شاهد هستیم (جهت نمونه‌ها و در تاریخ ایران تا قرن چهارم هجری ر.ک.: طبری، ۱۳۷۵: ۶۸۲۶؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۲: ۴۲۶۷-۴۲۶۹؛ همو، ۱۳۷۱: ۳۷۲؛ فقیه بلخی، ۱۳۷۶: ۱۲۳). علاوه بر جغرافیای ایران سده‌های میانه اسلامی، دیگر نقاط جهان اسلام نیز با ادعاهای دروغین پیامبری روبه‌رو بوده است که خود از شرایط و نیز درعین‌حال از دغدغه‌های مشترک در این خصوص گواهی دارد (جهت نمونه‌ها ر.ک.: ابن‌مسکویه، ۱۳۷۶: ۲۳؛ تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۴۵۷-۴۵۸).

۲. گفته شده‌است این مدعی دروغین پیامبری چهار نفر از اصحاب کبار خود را با اسامی اصحاب اربعه (ابوبکر، عمر، عثمان و علی(ع)) معرفی نمود. تاریخ‌الافی از میزان استقبال عمومی از وی این‌گونه خبر دارد: «از رؤسای آن ولایت، خلائق بسیاری به نبوت او رو آوردند و املاک و اسباب خود را فروخته ثمن او را، تَقَرَّبَ إِلَى اللَّهِ و طَلَبُوا مَرْضَاتِهِا پیش... وی می‌بردند و او نیز دست به جود و عطا برآورده هرچه پیش او می‌بردند به هر که می‌خواست از وی دریغ نمی‌داشت» (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۴۲۸).

در قالب نهضتی ملی شد (جوینی، ۱۳۸۵: ۸۶ - ۸۹).^۱

ادعای مهدویت به دلایل مختلف بیشترین تعداد از ادعاهای دروغین را در این دوره از تاریخ ایران به خود اختصاص داده‌است. نمونه‌های تاریخی بسیاری بر استفاده ابزاری مدعیان از این باور عمومی جهانی و در راستای اهداف سیاسی و مذهبی، وجود دارد.^۲ بلایای منجم در بصره سال‌های ۴۸۴-۴۸۳ق ادعای مهدویت کرد^۳ (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۳۹۲/۴-۳۹۳). در سال ۶۳۷ هجری ابوالکرام دارانی در بخارا و به‌عنوان منجی و مهدی قیام کرد (شیبانی، ۱۳۸۱: ۷۷-۷۸). ادعای مهدویت توسط قاضی شرف‌الدین ابراهیم و به سال ۶۶۳ق ثبت شده‌است (وصاف‌الحضرة شیرازی، ۱۳۴۶: ۱۱۰-۱۱۱؛ تتوی-قزوینی، ۱۳۸۲: ۶۵۷/۴). تاریخ اولجایتو مدعی است که در کوه‌های کردستان ادعای مهدویت شخصی به نام موسی با استقبال بسیار مردم روبه‌رو شد (۷۰۷ق) (قاشانی، ۱۳۸۴: ۷۶-۷۷). امیر تیمورتاش پسر امیر چوپان در حدود سال ۷۲۲ق ادعای مهدی آخرالزمان کرد (ابن حجر عسقلانی، ۱۹۹۳: ۵۱۸؛ سمرقندی، ۱۳۸۳: ۸۷). احمد بن عبدالله بن هاشم معروف به ملثم در سال ۶۸۹ق ادعای مهدویت کرد (ابن حجر عسقلانی، ۱۹۹۳: ۱۸۵).

علی‌رغم طرح تردیدهای جدی از سوی برخی محققان، لیکن مکتوبات، دست‌نوشته‌های مدعیان و نیز اسناد و شواهد تاریخی حکایت از آن دارد که چهره‌هایی چون فضل‌الله حروفی، محمود پسیخانی، محمد نوربخش و محمد بن فلاح مشعشی را می‌بایست از زمره مدعیان مهدویت [و به باور برخی حتی نبوت و امامت] به شمار آورد (ر.ک. به: شوشتری، ۱۳۷۷: ۳۹۵؛ دوغلات، ۱۳۸۳: ۶۲۷-۶۲۸؛ الشیبی، ۱۳۵۲: ۱۷۱؛ هوار، ۱۹۰۹: ۲۱-۲۲؛ کیا، ۱۳۳۰: ۲۴۳؛ گولپینارلی، ۱۳۷۴: ۲۲-۲۳؛ کسروی، ۱۳۷۸: ۴۳-۴۷). علاوه بر این شیخ

۱. جغرافیای ایوبیان نیز در سال ۵۹۶ق شاهد ادعای امامت و احتمالاً مهدویت و پیامبری توسط المعز اسماعیل حاکم یمن بوده‌است (ابن خلکان، ۱۳۶۴: ۴۷۱).

۲. نه تنها تاریخ ایران این مقطع مدعیان متعدد مهدویت را به نا به دلالی شاهد بوده است، بلکه مدعیان نائب امام زمان نیز پر شمارند. آنانی که به نظر می‌رسد با رویکرد ابزاری و برای پیشبرد اهداف خود بدان متوسل می‌شدند (جهت نمونه‌ها ر.ک.: شیبانی، ۱۳۸۱: ۲۶۳-۲۶۴؛ بیانی، ۱۳۷۱: ۵۸۷-۵۸۶؛ شیبانی، ۱۳۸۱: ۲۶۳-۲۶۴).

۳. وی به روایت منابع تاریخی به اطراف و جوانب نامه نوشت با این مضمون که: «مهدی موعود که خلق را دعوت به حق می‌نماید منم. اگر اطاعت و انقیاد من نمایید از عذاب آخروی و ذلت دنیوی، امن و خلاص خواهید شد» (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۳۹۲-۳۹۳).

شمس‌الدین عمر (مقتول به سال ۷۰۷ق) واعظ اهل فارس (شیرازی، ۱۳۲۸:۲۷۱)، ملاجان بلخی (۸۹۰ق) (مبلغی آبادانی، ۱۳۸۵: ۱۱۱۵-۱۱۱۸) و درنهایت شیخ عبدالقدیر بخارایی در سال ۹۰۰ هجری و در بخارا (همان: ۱۱۱۸-۱۱۲۱) دعوی مهدویت کردند که البته فرجام همگی آن‌ها قتل به دست مخالفان بوده‌است.

ب) دلایل و زمینه‌های ظهور مدعیان مذهبی

رمزگشایی از ظهور مدعیان دروغین در سده‌های پنجم تا نهم هجری تاریخ ایران ما را به علل چندی رهنمون می‌شود. البته از همان آغاز بایستی خاطر نشان کرد که شرایط سیاسی اجتماعی روز و یا وقوع هرج و مرج در این مقطع از تاریخ ایران [به‌ویژه در میانه متأخر] زمینه و بستر لازم را در بروز و ظهور مدعیان دروغین فراهم می‌کرد. ضمن آنکه خطرات و آسیب‌های سیاسی منتج از ظهور مدعیان و در قالب قیام‌ها و شورش‌ها خود موجب می‌شد تا حکومت‌ها سیاست خصمانه‌ای را در قبالشان اتخاذ کنند. گزارش‌های تاریخی بر این امر صحنه می‌گذارد که خود البته درخور پژوهش مستقلی خواهد بود (ر.ک.: منتظری، ۱۳۸۹: ۱۲۸-۲۰۳).

۱. رسوخ بینش سیاسی-تاریخی

ادعاهای نبوت، امامت و به‌ویژه مهدویت نه تنها در همه ادیان، ملل و جوامع، بلکه در تاریخ ایران و اسلام نیز ریشه و سابقه دیرینه داشته‌است. لذا جامعه ایران سده‌های میانه اسلامی با این مسئله بیگانه نبود و همواره با آن آشنایی و درعین حال آمادگی ذهنی داشت. در همین راستا نباید تعاملات و تأثیرات فرهنگی بین ملل و فرق را نیز در این امر نادیده گرفت (صابری، ۱۳۹۷: ۲۵-۲۹).

اعتقاد به منجی آخرالزمان یکی از وجوه مشترک تمام ادیان و آیین‌هاست. پیروان این ادیان بر این باورند که در زمانی نامشخص فردی از اعقاب پیامبرشان یا آنکه خدا در کتب آسمانی‌شان وعده داده‌است، ظهور خواهد کرد و دنیا سراسر داد و برابری خواهد شد (ر.ک.: سوره قصص، آیه ۵؛ کتاب مقدس، مجموعه مزامیر داوود در مزمور ۳۷ و بند ۲۹).

شور و التهاب موعود آخرالزمانی در ادیان توحیدی و آسمانی خود موجب شد تا از روزگار

باستان تا عصر حاضر هزاران نفر ادعا کنند که موعود آخرالزمان هستند.^۱ ظهور منجی و نجات‌بخش در میان ملت‌ها و ادیان مختلف امر متداولی بوده‌است. البته اینکه اولین بار در میان کدام اقوام و ادیان ظهور منجی مطرح شده‌است، اختلاف‌نظر وجود دارد. لیکن از آنجاکه دین مزدیسنا قدیمی‌ترین دین در مورد منجی و نجات‌بخشی است، لذا می‌توان زرتشت را حداقل در ایران پیشگام اندیشه منجی دانست (ابراهیم، ۱۳۸۱: ۲۱-۲۲).

وجود چنین بینش عمیقی در جامعه ایرانی موجب شد تا در پی اختلافات مذهبی و نارضایتی‌های حاصل از نظام طبقاتی عصر ساسانی ظهور و بروز و درعین‌حال استقبال جامعه از دعاوی مانی^۲ و مزدک به ادعای پیامبری را شاهد باشیم که خود از روح زمانه خبر دارد. جالب اینجاست که خود و یا پیروان آنان، برای رفع هرگونه شبهه‌ای، ارتباط با جهان ماوراء و رسالت از سوی آسمان برای هدایت و نجات بشر را چاشنی استدلالشان می‌کردند (ر.ک.: کریستنسن، ۱۳۶۸: ۲۶۴).

در تعالیم اسلام به‌خصوص در تشیع نیز ظهور منجی و نجات‌بخش رونق بیشتری داشت. آنان بر این باور بوده و هستند که از مشرق زمین یک نفر برمی‌خیزد و تمام قبایل اسلام را متحد می‌سازد و آن‌ها را بر دنیا مسلط می‌گرداند. ضمناً در اندیشه و افکار تشیع تنها کسی که می‌تواند ظلم و جور را از دنیا بشوید و جهان را پر از عدل و داد کند، منجی و نجات‌بخش است. لذا بی‌علت نیست که شیعیان برخی از شهرها از همان سده‌های میانه اسلامی با اسب سفید زین‌کرده انتظار ظهورش را می‌کشیدند (مستوفی، ۱۳۳۶: ۴۲؛ خواندمیر، ۱۳۶۲: ۳۶۶؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۶۲۴).

۱. به‌طور نمونه برهمنیان در آخرالزمان منتظر «ویشنو»، انگلیسی‌ها در انتظار «آرتور»، اقوام اسکانندیناوی منتظر «اورین»، اقوام اروپای مرکزی در انتظار ظهور «بوخس»، اقوام امریکای مرکزی معتقد به نجات‌بخش جهان «کوئز کولتال»، چینی‌ها به ظهور «کوشنا»، یونانیان در انتظار نجات‌دهنده بزرگ «کالویرگ» و یهودیان نیز به ظهور «ماشیح» (مسیح بزرگ) بوده و هستند.

۲. افکار مانی بعد از اسلام به طرق مختلف وارد جهان اسلام شد و توانست با تأثیر بر فرق مختلف بر افکار و اندیشه‌های بدعت‌گذاران این دوره مؤثر واقع شود. به‌ویژه آن که بین اندیشه‌های صوفیانه آیین مانوی با تکوین تصوف در جامعه اسلامی و در قرون متمادی یک رابطه معنادار وجود دارد (ر.ک.: ابن‌ندیم، ۱۳۸۱: ۵۹۲-۶۰۱). در همین راستا خاستگاه صوفیانه برخی از مدعیان مذهبی قرون ششم تا نهم هجری و یا لاقل سعی بر انتساب خود به جریان صوفیانه و به عنوان یک شگرد تبلیغی قابل‌برداشت خواهد بود؛ به‌طور مثال در مورد مدعیانی چون قاضی شرف‌الدین ابراهیم (وصاف‌الحضرة شیرازی، ۱۳۴۶: ۱۱۰)؛ سید محمد نوربخش (جعفریان، ۱۳۹۱: ۳۵۱، ۳۶۰، ۳۷۲؛ صفری فروشانی و عرفان، ۱۳۹۳: ۹۰)؛ بایزید انصاری (صفری فروشانی و عرفان، ۱۳۹۳: ۹)؛ فضل‌الله حروفی (کیا، ۱۳۳۰: ۲۴۳)؛ سید محمد مشعشع (شوشتری، ۱۳۷۷: ۳۹۵-۴۰۰) در این خصوص گزارش‌هایی موجود است.

در خصوص ظهور پیامبران و امامان دروغین این عصر نیز این پیشینه و البته بینش عمومی جهانی را شاهد هستیم. چنانچه منابع تاریخی ظهور ده‌ها مسیح دروغ‌گو، حتی در جغرافیای ایران را در سده‌های مختلف و با کنش‌ها و واکنش‌های فراگیر ثبت کرده‌اند (گرینستون، ۱۳۷۷: ۵۳-۷۶؛ تونه‌ای، ۱۳۸۳: ۶۵۸؛ صاحب‌الزمانی، ۱۳۴۵: ۹۵-۱۰۱). در همین راستا به نظر می‌رسد اندیشه‌های موعود آخرالزمانی که در افکار تشیع گسترش یافت، نمی‌تواند بی‌ارتباط با اندیشه‌های مسیحی و در موضوع منجی باشد. لذا به نظر می‌رسد این افکار و اندیشه‌ها بر افکار مدعیان مذهبی سده‌های میانه تاریخ ایران اثرگذار بوده‌است.

احتمالاً حتی بتوان ردپایی از تأثیر آئین بودا را در این حوادث یافت؛ زیرا تأثیر این آیین به علت هم‌جواری جغرافیایی و مجاورت فرهنگی، بر تصوف اسلامی، به‌ویژه در خراسان بزرگ، غیرقابل‌انکار است. ضمن آنکه نباید فراموش کرد که برخی از مدعیان اندیشه‌های بدعت‌آمیز دینی مذهبی خود دارای خاستگاه، صبغه و یا مدعی انتساب به تصوف و یا جریان‌های صوفیانه بوده‌اند (امین، ۱۳۷۸: ۱۰ و ۱۵۷).

نمونه‌های تاریخی و از سده‌های نخستین اسلامی نیز خود از وجود چنین بینشی در تار و پود جامعه ایرانی گواهی دارد. به‌طور مثال گفته شده‌است، به آفرید ادعای پیامبری کرد و آیین جدیدی را به وجود آورد (صدیقی، ۱۳۷۲: ۱۵۲). همچنین راوندیه در راستای انتقام خون ابومسلم و البته برای نزدیک شدن به خلیفه منصور، وی را خدای خویش می‌دانستند که خود از بینش عمومی جامعه عصر حکایت دارد (حسنی رازی، ۱۳۶۴: ۱۷۹). در سال ۱۶۰ق شخصی به نام یوسف البرم در شهر پوشنگ نیز ادعای نبوت کرد (مقدسی، ۱۳۷۴: ۹۶۳). خون‌خواهان ابومسلم خراسانی همچون سنباد در سال ۱۳۷ق مدعی عروج او به آسمان (ر.ک.: صدیقی، ۱۳۷۲: ۱۷۶) و اسحاق ترک نیز مدعی گردید ابومسلم از انبیاء و فرستاده زردشت است و به‌زودی ظهور می‌کند (زرین کوب، ۱۳۴۳: ۴۷۸). المقنع (۱۳۶-۱۶۷ق) نیز در پی اهداف سیاسی خود در ماورالنهر ادعای پیغمبری کرد (نرشخی، ۱۳۶۳: ۹۰).

این پیشینه تاریخی ملل جهان و به‌ویژه ایران از یک واقعیت انکارناپذیر پرده برمی‌دارد و آن رسوخ بینش‌هایی چون مهدویت، انتظار و موعود در بین آنان است که خود البته

می‌توانست مشوق لازم برای بروز و ظهور این گونه اندیشه‌ها و نیز فراهم‌سازی بسترهای ذهنی لازم در این زمینه باشد (محمدی ارانی، ۱۳۸۶: ۳۵-۳۶).

در همین راستا قابل‌تحلیل خواهد بود که چرا نهضت‌هایی چون حروفیه بر مسئله مهدویت رهبران خود تأکید بسیار داشتند. آنان به درستی از رسوخ بینش عمومی مشترک در ادیان مختلف مسیحی، یهودی و نیز فرق مختلف مسلمان بهره‌برداری می‌کردند. این اشتراک باور بی‌تردید می‌توانست در پیشبرد اهداف این گونه نهضتها و در همسویی و همراهی‌های عمومی و در نهایت توفیقاتی هرچند مختصر و گذرا، بسیار مؤثر واقع شود (ر.ک. به: گولپینارلی، ۱۳۷۴: ۲۲-۲۳).

توصیفی که از غزالی و توسط برخی از متفکران عصرش مبنی بر این که اگر قرار بود پس از خاتم پیامبران، پیامبری مبعوث شود، او غزالی بود (قادری، ۱۳۸۳: ۸۴) و یا پرسش پر مفهوم و درعین‌حال مکرر بهمنیار [شاگرد برجسته ابن‌سینا که برخی معتقدند مسلمان شد و برخی دیگر از زرتشتی ماندن وی سخن دارند] از ابوعلی سینا که علی‌رغم استعداد کم‌نظیر و فکر خلاق، چرا خودش را به‌عنوان پیامبر فرستاده خدا معرفی نمی‌کند؟ خود از روح زمانه و بینش عمومی جامعه در این خصوص و به‌ویژه در مواجهه با شخصیت‌های خارق‌العاده و شگفت‌انگیز و گاهی نیز از سر غلو شأن آنان حکایت دارد (محمدی ملایری، ۱۳۷۵: ۱۴۵). رسوخ این بینش عمومی و به عبارتی روح زمانه البته خود نمی‌توانست در ظهور مدعیان دروغین مذهبی و درحقیقت بهره‌برداری آنان از بسترهای ذهنی موجود در جامعه بی‌تأثیر باشد.

عبارت ابن‌تیمیه در اوائل قرن هشتم هجری بر ادعای رسوخ این بینش عمومی و درعین‌حال وجود تردیدهای جدی پیرامون دعاوی‌شان، پیش‌ازپیش صحه می‌گذارد. چنانچه می‌آورد: «در روزگارمان، تعدادی از مشایخ را می‌شناسم که زاهدند و عابدند و هر کدام بر این باورند که مهدی هستند و بسا که بارها کسانی آنان را به مهدی مخاطب کرده‌اند، درحالی‌که این شیطان است که آنان را بدین نام می‌خواند» (ابن‌تیمیه، ۱۹۸۶: ۲۱۱).

۱. خشم و غضب مردآویج زیاری نسبت به ابوحاتم رازی، حدیث‌شناس و رجالی‌نامدار، و علی‌رغم آنکه در آغاز از حامیان و پیروان وی بود، در این ادعای ابوحاتم که به‌زودی امامی ظهور خواهد کرد و البته ظهور نکرد، بیان شده‌است (دفتری، ۱۳۷۶: ۱۴۳؛ مهرآبادی، ۱۳۷۴: ۵۴).

ضمناً استفاده از عبارت «مهدی آخرالزمان» در ادب فارسی و در وصف سلاطین و حاکمان گرچه در مفهوم مهدویت رایج نبوده‌است، لیکن خود می‌توانسته‌است به‌عنوان یکی از زمینه‌های بسترساز برای تقویت ادعای مهدویت در جامعه ایرانی به‌طور اعم و در سده‌های پنجم تا نهم هجری به‌طور اخص ظاهر شود (جعفریان، ۱۳۹۱: ۱۰۴-۱۰۵).

۲. منافع شخصی-گروهی

منافع مادی و معنوی مدعیان مذهبی و جریان‌ها، نحله‌ها و تفکرات حامیشان را می‌بایست به‌عنوان یک عامل اثرگذار در ظهور و دعاوی دروغین‌شان دانست.^۱ در همین راستا سوءاستفاده از جامعه و باورها و اعتقادات آن و نیز جعل و تحریف در آیات و احادیث در دستور کار قرار داشته‌است. تاریخ ایران و اسلام در سده‌های نخست هجری نمونه‌های متعددی از مدعیان دروغین با چنین انگیزه‌هایی را ثبت کرده‌است. در سده‌های میانه و به‌ویژه قرون پنجم تا نهم هجری نقش منافع شخصی-مادی را بسیار پررنگ‌تر از گذشته شاهد هستیم. به‌طور مثال در خصوص مدعی نبوت در نهاوند اواخر قرن پنجم هجری به روایت *تاریخ الفی* «از رؤسای آن ولایت، خلائق بسیاری به نبوت او رو آوردند و املاک و اسباب خود را فروخته ثمن او را، تَقَرَّبَ إِلَى اللَّهِ وَ طَلَبَا مَرْضَائِهِهَا پیش... وی می‌بردند» (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۴۲۸). در مورد مدعی دیگر نهاوندی و در همین مقطع نیز گفته شده‌است گروه زیادی از مردم آبادی‌های آن ناحیه، املاک خود را فروختند و بهای آن را به وی دادند که تمامش را خرج کرد (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۳۷۲). در خصوص مدعی مهدویت ابوالکرام دارانی و در عصر مغول گفته شده‌است که وی نیز پول و ثروت بسیاری جمع‌آوری کرد که خود می‌تواند از نیت و اهدافش در ادعای دروغین حکایت داشته باشد (شیبانی، ۱۳۸۱: ۷۷-۷۸).^۲

علاوه بر این قدرت طلبی و نیز بهره‌برداری ابزاری مدعیان دروغین از اعتقادات مذهبی

۱. البته نباید تزلزل و سستی در اعتقادات و باورهای مذهبی و درعین‌حال نگاه ابزاری بدان، انحراف از حق و اعمال‌نظرها و تفاسیر شخصی، تعصب، کینه‌توزی‌ها و تنگ‌نظری‌ها را در این امر نادیده گرفت.

۲. نه تنها انگیزه‌های مادی را در مدعیان دروغین مهدویت و در مقطع مورد اشاره شاهدیم، بلکه از مدعیان دروغین نایب امام زمان نیز دریافت اموال بسیار به‌طور مسالمت‌آمیز و یا به‌صورت غارت از مردم گزارش شده‌است (جهت نمونه‌ها ر.ک.: شیبانی، ۱۳۸۱: ۲۶۳-۲۶۴؛ بیانی، ۱۳۷۱: ۵۸۶-۵۸۷).

جامعه برای منافع سیاسی روز قابل برداشت خواهد بود [گرچه شاید بتواند از منظر همراهی و همسویی با نهضت‌های اعتراضی نیز تحلیل شود]. چنانچه اقدام مولی علی فرزند سید محمد فلاح در ادعای دروغین امامت می‌تواند از منظر بهره‌برداری سیاسی از باورهای مذهبی و در کشاکش با حاکمیت سیاسی روز یعنی قراقویونلوها تحلیل شود (شوشتری، ۱۳۷۷: ۴۰۰؛ کسروی، ۱۳۷۸: ۴۳-۴۷). همچنین ادعای مهدویت شرف‌الدین ابراهیم در خراسان سال ۶۶۳ق و اقدامات متعاقب آن می‌تواند در راستای کسب قدرت تعبیر شود؛ به‌ویژه آنکه با نهضت‌های اعتراضی روستائیان و پیشه‌وران و حتی اشراف و ثروتمندان در برابر حاکمیت مغولان در هم آمیخته‌است (وصاف‌الحضرة شیرازی، ۱۳۴۶: ۱۱۰-۱۱۱). ادعای مهدویت امیر تیمورتاش پسر امیر چوپان در سال ۷۲۲ق. نمی‌تواند با انگیزه‌های او در تصرف عراق و آذربایجان و درحقیقت تقویت قدرت سیاسی بی‌ارتباط باشد (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۸۷). ضمناً در خصوص ادعای مهدویت و احتمالاً امامت رهبران فرقه حروفیه و نوربخشیه، نمی‌توان بهره‌برداری این فرقه‌ها در سوءاستفاده از باورهای عمومی و در راستای کسب قدرت و تأسیس حکومت را در میان کشاکش‌های سیاسی عصر نادیده گرفت (ر.ک: دوغلات، ۱۳۸۳: ۶۲۷-۶۲۸؛ زرین‌کوب، ۱۳۹۰: ۳۱؛ کسروی، ۱۳۷۸: ۴۳-۴۷؛ هوار، ۱۹۰۹: ۲۱-۲۲؛ کیا، ۱۳۳۰: ۱۱).

۳. نارضایتی‌های عمومی

اقبال و در نتیجه حمایت عمومی از مدعیان دروغین که خود را در شدت، گستردگی و تداوم فعالیت و گاهی در قالب قیام و شورش و بالطبع در آثار، عملکرد و پیامدشان به نمایش می‌نهاد، حکایت از این واقعیت انکارناپذیر دارد که نارضایتی عمومی حاصل از ماهیت، سیاست‌ها و عملکردهای حکومتی و در راس آن اعمال ظلم و ستم نسبت به قاطبه جامعه ایرانی در سده‌های پنجم تا نهم هجری در این امر دخیل بوده‌است.

جعل و تبلیغ تفکر تکلیف رعیت و بر حق بودن همیشگی حاکمیت و القاء اندیشه قدسی-غیرمسئول برای حکومت‌ها نیز در فرهنگ سیاسی تاریخ ایران، از سوی

۱. لذا بی‌غلت نیست که حروفیه از شیعیان انتقاد می‌کردند که چرا ادعای مهدویت فضل‌الله حروفی را انکار می‌کنند (ر.ک.: جعفریان، ۱۳۹۱: ۱۰۸).

نظریه‌پردازان حکومتی به‌ویژه در مقطع مورد اشاره (در این خصوص ر.ک.: دلیر، ۱۳۹۳: ۵۴-۵۵) موجب می‌شد تا همواره رعیت مجبور به تحمل انواع تبعیض‌ها و ظلم و ستم‌ها از جمله پرداخت انواع مالیات‌های سنگین و کمرشکن به خزانه بی‌انتهای حکومت شود. ضمن آنکه برای ارضای خوی جنگ‌طلبی حاکمان، همواره می‌بایست در رکاب آنان جان بسپارد. منابع تاریخی، علی‌رغم قلت داده‌ها، خاطرنشان می‌سازند که مردم ستم‌کشیده و بلادیده و خواهان مساوات و عدالت به‌ویژه در دوره متأخر سده‌های میانه تاریخ ایران که آمیخته به ظلم و فساد و خشونت لجام‌گسیخته بود، راه نجات خود را در ظهور منجی جستجو می‌کردند. لذا بی‌علت نیست که ظهور بیشترین مهدیان دروغین [و درحقیقت اوج دوره تفکر منجی‌گرایانه] را در این مقطع شاهد هستیم (کریمی و جعفرزاده، ۱۳۹۹: ۱۴۵). این شرایط بی‌تردید زمینه را برای کسانی فراهم می‌کرد که می‌خواستند از حمایت‌های مردمی به نفع خود و اهدافشان سود جویند.

حکومت‌ها در این دوره غالباً مالیات را به زور شمشیر می‌گرفتند و بدون داشتن نقشه صحیح اقتصادی و عمرانی، آن را حیف‌ومیل می‌کردند. عمال و کارگزاران اصولاً کاری جز وصول ده‌ها نوع مالیات رنگارنگ و به عناوین مختلف نداشتند. چنانچه محصلان مالیاتی به علت تهدیدات سلطان به شکنجه و مرگ در صورت قصور در انجام وظایف، بر سخت‌گیری‌هایشان در دریافت مالیات می‌افزودند که خود در نهایت صدمات و لطمات بسیاری را بر جامعه تحمیل می‌کرد و موجب نکبت و فلاکت آنان می‌گردید. لذا بی‌علت نیست که مردم از خدا می‌طلبیدند تا آنان را از این حکومت‌ها رهایی دهد. همچنین مردم پیشه‌ور در شهرها و ارباب حرف در جنگ با اشراف متنفذ، بازرگانان و سرمایه‌داران رباخوار بودند. پیشه‌وران شهری می‌بایست عوارض و مالیات‌های ظالمانه فراوان فتوئالی پرداخت می‌کردند. برقراری سیستم تیول که شدیدترین نوع زمین‌داری بود، یک مرد اشرافی بیگانه و عمدتاً نظامی را که چندان به استقرار وضع اقتصادی علاقه نداشت، بر جان و مال مردم و رعایا حاکم می‌کرد (برتلس، ۱۹۲۶: ۴۲-۴۷).

در دوره مغول جمع‌آوری مالیات از رعایایی که در اراضی دیوانی و اینجو مسکن داشتند، گاهی به خوانین و تجار بزرگ به مقاطعه داده می‌شد. این شیوه برای مردم مالیات‌دهنده

بسیار سنگین و دشوار بود؛ به‌خصوص که در دوره مغول بهره‌کشی خوانین از روستائیان به مراتب شدیدتر از گذشته بود. روستائیان می‌بایست قریب به سی گونه مالیات بپردازند؛ حتی با اقطاع خریدوفروش شوند (پیگولوسکایا، ۱۳۶۳: ۳۵۹-۳۶۳). شاید به همین علت است که بخش قابل‌توجهی از مدعیان دروغین دارای خاستگاه روستایی هستند. به‌طور مثال می‌توان به مدعیانی چون محمود تارابی، سید محمد نوربخش، بایزید انصاری و قاضی شرف‌الدین ابراهیم اشاره کرد که از روستاها برخاستند و دارای حامیان عمدتاً روستایی بودند.

در بخش قابل‌توجهی از ایران عصر تیموری نیز مردم عادی با تهدید به مرگ و یا شکنجه مجبور به افشای مخفیگاه‌های دارایی‌شان و تأدیه پول و سایر علقه‌ها بودند. همچنین برای برطرف کردن تهدیدات پیوسته نظامی و برای تأمین نفوذ سیاسی و تحصیل قدرت، غالباً تأمین سپاه از مردم عادی صورت می‌پذیرفت. علاوه بر این قتل‌عام‌های وحشیانه و بی‌رحمانه در پی استتکاف مردم شهرها از پرداخت مالیات به محصلان مالیاتی در این دوره ثبت شده‌است (پتروشفسکی، ۱۳۵۹: ۶۱-۶۲؛ فراگنر، ۱۳۷۹: ۲۵۰-۲۷۰). بی‌تردید این فشارها بستر و زمینه‌های لازم را برای ظهور مدعیان مذهبی فراهم کرد؛ تا خود را به‌عنوان ناجی و رهاننده جامعه از مشکلات و سختی‌های حاصل از ظلم و ستم‌های حکومت و پیرامونیان آنان تبلیغ کنند.

البته نمی‌بایست علاوه بر نارضایتی عمومی و محرومیت اقتصادی، عوامل دیگری چون باورهای عمومی [که البته آمیخته به خرافات بود] را در استقبال عمومی از مدعیان دروغین و اقداماتشان نادیده گرفت.^۱ زیرا برخی بر این باور بودند که با تبعیت از این مدعیان، گشایشی در زندگی آنها ایجاد خواهد شد. ضمن آنکه شگردها و ترفندهای تبلیغاتی مدعیان دروغین در جهت‌دهی و تهییج اذهان عمومی به انحاء مختلف از جمله انتساب به سادات، القاء ذکرها و وردها و تأکید بر انجام آنها و نیز ادعای ارتباط با جهان ماوراء و غیب آنان را امیدوار به گشایش در زندگی، درمان بیماری و رفع مشکلاتشان می‌کرد (شعبانی و عباسی رمی، ۱۴۰۱: ۸۲-۸۳). درحقیقت افراد ساده‌اندیش جامعه که از سطح بینش و معرفت پایینی برخوردار بودند، عملاً در نقش سیاهی‌لشکر ظاهر می‌شدند که البته خود تأثیر شگرفی

۱. این تأثیرگذاری عمومی حتی در سپاه دشمنان نیز قابل‌تعییب خواهد بود (در این خصوص ر.ک.: ایزدی، ۱۳۹۲: ۶۸-۶۹).

بر شیوع و گسترش جریان‌های انحرافی در جامعه داشته‌است. زیرا نوعاً تبلیغات دروغ و شایعات بی‌اساس توسط افراد ساده‌لوح و کم‌سواد با شدت و سرعت بیشتری منتشر می‌شود و همین امر زمینه یک فتنه اجتماعی را در جامعه فراهم می‌سازد.

نمونه‌های متعدد بر حمایت مردم از برخی مدعیان این سده‌ها گواهی دارد. به‌طور مثال گفته شده‌است مردم، عمدتاً متعلق به اقشار فرودست جامعه، در واکنش به ظلم و بیداد مغولان از محمود تارابی حمایت کردند (جوینی، ۱۳۸۵: ۸۶-۸۷). همچنین آمده‌است که قاضی شرف‌الدین ابراهیم در شیراز سال ۶۶۳ق از حمایت مردمی برخوردار بود. ظاهراً انتساب کرامات و خوارق نسبت به وی از سوی مریدان [علاوه بر شرایط سیاسی اجتماعی ایران عصر ایلخانی] در حمایت مردم خراسان و فارس از ادعایش بی‌تأثیر نبوده‌است (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۶۵۷). استقبال عمومی از خواص و عوام پیرامون شیخ شمس‌الدین عمر در شیراز گزارش شده‌است. ظاهراً علاوه بر شرایط روز، واعظ بودن وی نیز در این جاذبه‌ها اثرگذار بوده‌است (شیرازی، ۱۳۲۸: ۲۷۱). سید محمد نوربخش و ادعای مهدویت او نیز مورد استقبال عمومی قرار گرفت که خود از شرایط عصر و در راس آن نارضایتی عمومی در عرصه‌های مختلف گواهی دارد (دوغلالت، ۱۳۸۳: ۶۲۷-۶۲۸). در هر صورت به نظر می‌رسد حمایت‌های مردمی در تشکیل، تداوم و احیانا پیروزی‌های هرچند موقت و گذرای جنبش‌های منتج از دعای مذهبی و پیرامون مدعیان دروغین نقش اساسی داشته‌است.

انتصاب برخی از مدعیان به تصوف و خانقاه به‌خصوص در عصر مغول-تیموری و با توجه به رونق و بالطبع نفوذ بسیار در افکار عمومی، در استقبال عمومی از آنان بی‌تأثیر نبوده‌است. گرچه بایستی معترف بود نگاه ابزاری به این ابزار نافذ برای پیشبرد منافع سیاسی در نهایت اهتمام بوده و واقعیتی غیرقابل‌انکار است. در همین راستا مدعیانی چون قاضی شرف‌الدین ابراهیم (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۶۵۷) سید محمد نوربخش (صفری فروشانی و عرفان، ۱۳۹۳: ۹۰) و سید محمد مشعشع (همان: ۹۱) بهره‌برداری فراوانی از تصوف و خانقاه نمودند. حتی درخصوص امیر تیمورتاش مدعی مهدویت گفته شده‌است سیاست وی در جلب توجه فرقه‌های مختلف صوفیانه و در راستای تقویت پایگاه مردمی موثر واقع و بخش قابل‌توجهی از فرقه‌های صوفیانه روم با وی بیعت کردند. آنان حتی دیگران را نیز به حمایت

از وی تشویق کردند (ر.ک.: عارفی افلاکی، ۱۳۶۲: ۹۷۷-۹۷۸).

تحریک احساسات ملی و آن هم در عصر بیگانه‌ترین حکومت‌ها، توسط برخی از مدعیان دروغین را نیز نمی‌بایست از نظر دور داشت. چنانچه درخصوص فضل‌الله حروفی گفته شده‌است وی زبان فارسی را زبان دینی قرار داد و به جای حاکمیت عرب، حاکمیت ایران را جایگزین کرد. خود نیز به‌صورت ظهوری الهی که مقامش برتر از تمام انبیاء است، میان پیروانش پذیرفته شد (کیا، ۱۳۳۳: ۱۱).

در خاتمه این مبحث لازم به ذکر است که خاستگاه شیعی برخی از مدعیان به‌ویژه مهدویت خود می‌تواند ما را به محدودیت‌ها، تزییقات و ستم متوجه جامعه شیعی از سوی حکومت‌ها و جریان‌های افراطی سنی عصر رهنمون شود. در نتیجه این بار نیز در کنار عوامل مختلف، تشیع به‌عنوان یک مکتب اعتراضی-در کنار ویژگی انتظار- ظاهر و البته مورد بهره‌برداری برخی از مدعیان دروغین و در نیل به اهدافشان گردید (جعفریان، ۱۳۹۱: ۱۰۹-۱۱۰).

۴. چالش‌های مشروعیتی حکومت‌ها

مشروعیت، به معنای باور عمومی اعضای یک جامعه است مبنی بر اینکه قدرت حکومت، قدرتی به‌حق و مستوجب فرمان‌برداری است. وقتی مشروعیت با حاکمیت می‌آید، معنای آن نداشتن رقیب در قلمرو داخلی و تسلط بر همه گروه‌ها و نیز استقلال در برابر سایر دولت‌هاست. در جوامع دینی دغدغه شرعی بودن و نبودن بسیار حائز اهمیت است. مشروعیت می‌تواند قدرت وحشی و عریانی را به اقتداری مقبول و متفاهم بدل نماید. مشروعیت توجیهی با صبغه دینی از حاکمیت است؛ یعنی توجیهی از حق فرمان و اطاعت مطلق و بی‌چون و چرا. قدرت هنگامی مشروعیت پیدا می‌کند که فرمان و اطاعت با حق و حقانیت تلقی شود. از آنجاکه تمرکز قدرت در دست شخص واحد در ذات خود متضمن نابرابری است، نیازمند توجیه است و مشروعیت پاسخی است به این نابرابری و توجیه آن. ضمناً مشروعیت به حاکم آزادی عمل می‌دهد (فیرحی، ۱۳۸۸: ۱۱).

بحران‌ها و چالش‌های مشروعیتی حکومت‌های عمدتاً ترکی سده‌های پنجم تا نهم

هجری را نمی‌توان در تحلیل علل ظهور مدعیان دروغین و در دل این سده‌ها نادیده گرفت. حکومت‌ها در کمتر دوره‌ای از تاریخ ایران و به‌مانند این دوره با این میزان از بحران‌های شدید مشروعیتی و آن هم در انواع آن یعنی مشروعیت ملی، مذهبی و سیاسی مواجه بوده‌اند. ضمن آنکه سیاست بازتولید مشروعیت توسط متفکران پیرامونی این حکومت‌ها نیز کمتر رنگی از توفیق داشته که در نهایت خود را در ضعف و زوال آنان به نمایش نهاده‌است (دلیر، ۱۴۰۱: ۵۷-۵۶؛ لونی، ۱۳۹۴: ۶۶-۷۰؛ دینپرست، صدقی، کریمی و قانع‌ی زوارق، ۱۳۹۸: ۷۷-۷۸).

بررسی و تعمق در تاریخ تحولات سیاسی ایران مقطع مورد اشاره بیانگر این واقعیت است که چالش‌های مشروعیتی همواره موجب شکاف و تضاد بین دولت و ملت می‌شد که البته این امر در ظهور و نقش‌آفرینی مدعیان دروغین و متعاقباً استقبال عمومی از آنان اثرگذار بوده‌است. در همین راستا فقدان مشروعیت ملی در حکومت‌های عمدتاً بیگانه این دوره، تضعیف مشروعیت مذهبی به علت ستیزه‌ها و چالش‌های گاه‌بوی گاه با دستگاه خلافت عباسی و آنگاه ظهور جریان‌ها و فرقه‌های معارض، رفتارها و عملکردهای به دور از اسلام اصیل، استفاده ابزاری از مذهب و نیز سرکوب برخی از فرق و مذاهب آسیب‌جدی برای حکومتشان محسوب می‌شد. علاوه بر فقدان مشروعیت ملی و تضعیف مشروعیت مذهبی، مشروعیت سیاسی بسیاری از این حکومت‌ها با آسیب‌ها و تردیدهای جدی روبه‌رو بود که خود البته بر سرنوشت سیاسیشان تأثیر منفی می‌گذاشت. این نوع از مشروعیت معمولاً با نظریه‌پردازی متفکران پیرامونی حاکمیت از فقیه و مفتی و خطیب گرفته تا شاعر و ادیب و مورخ تحقق می‌یافت. حال واقعیت امر آن است که بیگانگی نژادی غالب حکومت‌های سده‌های میانه، وجود روحیه ملی‌گرایی [هر چند ضعیف] و درعین‌حال بیگانه‌ستیزی جامعه در کنار عملکردها و رفتارهای سیاسی و نظامی آنان، در کنار شرایط آشفته سیاسی و اجتماعی ایران، خود موجب می‌شد تا رفته‌رفته حمایت‌های اولیه رنگ ببازد. ضمن آنکه نمی‌بایست ظهور مشروعیت‌های نوین با حامیان جدید و متفکران پیرامونیشان را در این تضعیف مشروعیت سیاسی نادیده گرفت. بدین ترتیب هرگونه اقدام تخریبی از سوی مخالفان علیه این حکومت‌ها و ارکان آن مجاز و مباح شمرده می‌شد (رجبی، ۱۳۸۵: ۲۵۰).

منز، ۱۳۸۹: ۳۳). در نتیجه ظهور مدعیان دروغین و متعاقباً بروز عملی آنان از یکسو و حمایت‌های عمومی از دیگر سو ارتباط تنگاتنگ و معناداری با چالش‌های مشروعیتی حکومت‌ها می‌یافت. لذا بی‌علت نیست که برخی از مدعیان دروغین از تحریک احساسات ملی و برای نیل به اهدافشان سود می‌جویند (به‌طور مثال در مورد فضل‌الله حروفی) (کیا، ۱۳۳۳: ۱۱).

نتیجه

واکاوی در دلایل و زمینه‌های ظهور مدعیان مذهبی در سده‌های میانه تاریخ ایران و به‌ویژه قرون پنجم تا نهم هجری حکایت از نقش‌آفرینی عوامل مختلفی دارد. در درجه نخست باید پیشینه تاریخی و بینش سیاسی روز را نسبت به اندیشه ظهور و منجی به‌طور اعم و ظهور مدعیانی از جنس نبوت، امامت و مهدویت را به‌طور اخص مدنظر قرار داد. این امر خود نه تنها در تاریخ ایران و اسلام سابقه و صبغه داشته، بلکه تحت تأثیر ادیان و ملل مختلف و در تعاملات تاریخی بوده است. دست‌یابی به اهداف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و با بهره‌گیری از دستاویز دینی مذهبی به‌عنوان قوی‌ترین محرک‌ها یکی از دیگر دلایل ظهور مدعیان دروغیان بوده است. یعنی کسب منافع شخصی و گروهی به‌عنوان یک عامل اساسی مطرح است. کسب قدرت و ثروت و جمع‌آوری اموال دیگران با حيله و نیرنگ و به دست آوردن ثروت فراوان در منابع تاریخی و پیرامون مدعیان دروغین ثبت شده است که خود از نگاه ابزاری‌شان نسبت به اعتقادات دینی مذهبی جامعه عصر پرده برمی‌دارد. علاوه بر این بهره‌برداری از شرایط سیاسی اجتماعی روز و نارضایتی عمومی منتج از آشفتگی‌های سیاسی منتج از تهاجم و استیلای حکومت‌های ایللیاتی ترکی مغولی نیز عامل اثرگذاری بوده است که خود را در استقبال عمومی از مدعیان دروغین به نمایش می‌نهاد. بدین ترتیب انگیزه‌های لازم برای ادعای نجات‌بخشی و در اشکال و صور مختلف نبوت، امامت و مهدویت فراهم می‌شد. لذا بی‌علت نیست که مدعیان دروغین و حامیان‌شان عمدتاً به طبقات و صنوف پایین جامعه تعلق دارند که از انواع ظلم و ستم و نیز بی‌عدالتی به ستوه آمده‌اند. البته به هم ریختگی نظام و ساختار طبقاتی و تنزل جایگاه طبقات عالی غالباً ایرانی و بر اثر استیلای بیگانگان، گاهی آنان را نیز همسو با طبقات پایین اجتماع حول محور یک مدعی دروغین و

نهضت‌ها و قیام‌های منبعث از آن، جای می‌داده‌است. در همین راستا آنان علاوه بر سوءاستفاده از ضعف آگاهی‌های مذهبی جامعه و به‌ویژه در مقوله انتظار، توسل و تمسک به ابزارها و شگردهای تبلیغی از جمله خواب و رؤیا، ریاضت، جادو و با مظلوم‌نمایی درصدد جذب طرفداران و مریدانی برای خود می‌شدند. ضمناً کنترل ذهن مریدان با ابزارهای مغزشویی و تملق‌گویی با شخصیت‌سازی کاذب برای مریدان در دستور کار قرار داشته‌است. فقدان و یا لاقفل خلل و آسیب بر انواع مشروعیت‌های عمدتاً بیگانه سده‌های پنجم تا نهم هجری و عدم پذیرش اجتماعی مشروعیتشان نیز خود زمینه و انگیزه لازم را در شکل‌گیری ادعاهای بدعت‌آمیز دینی مذهبی و متعاقباً مدعیان دروغین و تحولات منبعث از اقدامات و عملکردهای آنان فراهم می‌ساخت.



منابع

کتاب‌ها

- قرآن کریم، سوره قصص (آیه ۵).
- تورات، مجموعه مزامیر داوود (مزمور ۳۷).
- ابراهیم، علیرضا (۱۳۸۱). *مهدویت در اسلام و زرتشت*، تهران: باز.
- ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۷۱). *الکامل فی التاریخ*، ترجمه محمدحسین روحانی، تهران: علمی.
- ----- (۱۳۸۲). *تاریخ کامل*، ترجمه محمدحسین روحانی، تهران: اساطیر.
- ابن تیمیه، محمد بن عبدالحلیم (۱۹۸۶). *منهاج السنه*، ریاض: جامعه الامام محمد بن سعود.
- ابن حجر عسقلانی، ابوالفضل شهاب‌الدین احمد (۱۹۹۳). *الدرر الکامنه فی اعیان المائنه الثامنه*، بیروت: دارالجبیل.
- ابن خلکان؛ ابوالعباس (۱۳۶۴). *وفیات الاعیان فی انباء انباء الزمان*، تصحیح احسان عباس، قم: افست.
- ابن مسکویه، احمد بن محمد (۱۳۷۶). *تجارب الامم فی تعاقب الهمم*، تحقیق ابوالقاسم امامی، تهران: سروش.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۸۱). *الفهرست*، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران: اساطیر.
- الشیبی، کامل مصطفی (۱۳۵۲). *تشیع و تصوف*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر.
- امین، حسن (۱۳۷۸). *بازتاب اسطوره بودا در اسلام و ایران*، تهران: میرکسری.
- بدلیسی، شرف‌الدین (۱۳۷۷). *شرفنامه*، تهران: اساطیر.
- بیانی، شیرین (۱۳۷۱). *دین و دولت در عهد مغول*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- پتروشفسکی، ایلیاپاولیچ (۱۳۵۷). *کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: نیل.

- ----- (۱۳۵۹). *تاریخ ایران در سده میانه*، ترجمه سیروس ایزدی و حسین تحویلی، تهران: دنیا.
- پیگولوسکایا، نینا ویکتوروونا (۱۳۶۳). *تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: دانشگاه تهران.
- تتوی، احمد آصف خان قزوینی (۱۳۸۲). *تاریخ الفی*. تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: علمی و فرهنگی.
- تونه‌ای، مجتبی (۱۳۸۳). *موعودنامه*، تهران: مشهور.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۱). *مهدیان دروغین*، تهران: علم.
- جوینی، عطاملک (۱۳۸۵). *تاریخ جهانگشای جوینی*، ترجمه عبدالوهاب قزوینی، تهران: دنیای کتاب.
- حسنی رازی، مرتضی بن داعی (۱۳۶۴). *تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام*، تصحیح عباس اقبال، تهران: اساطیر.
- خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۶۲). *تاریخ حبیب‌السیر*، تهران: خیام.
- دفتری، فرهاد (۱۳۷۶). *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، تهران: فرزانه روز.
- دلیر، نیره (۱۴۰۱). *نظام ظل‌اللهی؛ بررسی تطبیقی اعصار تکوین و تقدس*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دوغلات، میرزا محمد حیدر (۱۳۸۳). *تاریخ رشیدی*، تهران: میراث مکتوب.
- رجبی، پرویز (۱۳۸۵). *سده‌های گمشده*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۹۰). *روزگاران*، تهران: سخن.
- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۸۳). *مطلع السعدین و مجمع البحرین*، به کوشش عبدالحسین نوایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- شوشتری، نوراله (۱۳۷۷). *مجالس المومنین*، تهران: اسلامیة.

- شیبانی، ابن‌القوطی (۱۳۸۱). *الحوادث*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: انجمن آثار مفاخر.
- شیرازی، جنید (۱۳۲۸). *سده‌الآزار فی حط‌الآوزار*، پدیدآورندگان محمد قزوینی، تهران: چاپخانه مجلس.
- صابری، حسین. (۱۳۹۷). *تاریخ فرق اسلامی*، تهران: سمت.
- صاحب‌الزمانی، ناصرالدین (۱۳۴۵). *دیباچه‌ای بر رهبری*، تهران: عطائی.
- صدیقی، ابوالحسن (۱۳۷۲). *جنبش‌های دینی ایرانی در قرن‌های دوم و سوم هجری*، تهران: پاژنگ.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۳۷۵). *تاریخ‌الرسل و الملوک*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- عارفی افلاکی، احمد (۱۳۶۲). *مناقب‌العارفین*، به سعی تحسین یازیجی، تهران: دنیای کتاب.
- فقیه بلخی، ابوالعالی محمد (۱۳۷۶). *بیان‌الادیان*، تصحیح محمدتقی دانش پژوه، تهران: بنیاد موقوفات افشار.
- فیرحی، داود (۱۳۸۸). *نظام سیاسی و دولت در اسلام*، تهران: سمت.
- قادری، حاتم (۱۳۸۳). *اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران*، تهران: سمت.
- قاشانی، ابوالقاسم (۱۳۸۴). *تاریخ اولجایتو*، به اهتمام مهین حاجیان پور، تهران: بنگاه نشر.
- کریستن‌سن، آرتور (۱۳۶۸). *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.
- کسروی، احمد (۱۳۷۸). *مشعشعیان*، تهران: فردوس.
- کیا، مصدق (۱۳۳۰). *واژه‌نامه گرگانی*، تهران: دانشگاه تهران.
- گرینستون، جولیوس (۱۲۷۷). *انتظار مسیحا در آیین یهود*، ترجمه حسین توفیقی، تهران: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- گولپینارلی، عبدالباقی (۱۳۷۴). *فهرست متون حروفیه*، ترجمه توفیق ه. سبحانی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- مبلغی آبادانی، عبدالله (۱۳۸۵). *تاریخ ادیان و مذاهب جهان*، تهران: دانشگاه تهران.
- محمدی ملایری، محمد (۱۳۷۵). *تاریخ فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی*، تهران: توس.
- مرعشی، علامه موسوعه (۱۴۳۲). *الرسائل والمقالات*، قم: کتابخانه مرعشی.
- مستوفی، حمدالله بن ابی‌بکر (۱۳۳۶). *تاریخ گزیده*، تهران: طهوری.
- مقدسی، مطهر بن طاهر (۱۳۷۴). *البدء و التاریخ*، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: آگه.
- منز، بناتریس فوربز (۱۳۸۹). *برآمدن و فرمانروایی تیمور*، ترجمه منصور صفت گل، تهران: رسا.
- منتظری، سعیدرضا (۱۳۸۹). *زندیق و زندیق*، قم: ادیان و مذاهب.
- مهرآبادی، میترا (۱۳۷۴). *تاریخ سلسله زیاری*، تهران: دنیای کتاب.
- میرخواند، محمد بن خاوند شاه (۱۳۸۰). *تاریخ روضه‌الصفاء*، تصحیح جمشید کیان‌فر، تهران: اساطیر.
- نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر (۱۳۶۳). *تاریخ بخارا*، تهران: توس.
- وصاف‌الحضرة شیرازی، فضل‌الله (۱۳۴۶). *تاریخ وصاف*، ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- هوار، کلمنت (۱۹۰۹). *مجموعه رسائل حروفیه*، لیدن: بریل.

مقالات

- امورتی، ب. س. (۱۳۷۹). *مذهب در دوره تیموریان. تاریخ ایران دوره تیموریان*، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر، ۳۱۵-۲۹۷.
- ایزدی، حسین (۱۳۹۲). *منجی‌گرایی در عصر حاکمیت مغولها در ایران. تاریخ اسلام*، ۱۴ (۲)، ۸۸-۶۵.

- دلیر، نیره (۱۳۹۳). فرهنگ سیاسی و مبانی نظری پادشاهی و سلطنت؛ بررسی تطبیقی فره ایزدی و ظل‌اللهی. *تاریخ فرهنگی*، ۵(۲۰)، ۳۹-۶۰.
- دین‌پرست، ولی؛ صدقی، ناصر؛ کریمی، علیرضا و قانع زوارق، علی (۱۳۹۸). مفهوم انسان کامل و امکان حکمرانی آن در اندیشه سیاسی عرفای ایرانی سده نهم هجری. *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۱۰(۲۱)، ۶۱-۸۶.
- شعبانی، امامعلی، و عباسی رمی، زینب (۱۴۰۱)، مدعیان دروغین و شگردهای تبلیغی آن‌ها در سده‌های میانه تاریخی ایران، *جستارهای تاریخی*، ۱۳(۲)، ۶۳-۸۸.
- صفری فروشانی، نعمت‌الله، و عرفان، امیرمحسن (۱۳۹۳). گونه‌شناسی مدعیان دروغین مهدویت. *مشرق موعود*، ۸(۳۰)، ۸۳-۱۰۷.
- فراگتر، برت (۱۳۷۹). اوضاع اجتماعی و اقتصادی داخلی، *تاریخ ایران دوره تیموریان*، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر، ۲۰۹-۲۸۱.
- کریمی، علیرضا و جعفرزاده، کبری (۱۳۹۹). بررسی پدیده رویه‌رشد انتظار و منجی‌گرایی (مهدویت) در عصر ایلخانان. *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۱۱(۲۵)، ۱۲۳-۱۴۷.
- محمدی ارانی، مریم (۱۳۸۶). منجی‌گرایی در ادیان. *طلوع*، ۶(۲۲)، ۳۵-۵۲.

پایان‌نامه‌ها

- لونی، محسن (۱۳۹۴). *مبانی مشروعیت دولت تیموریان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی امامعلی شعبانی، اراک: دانشگاه اراک.